
بسم الله الرحمن الرحيم

نکـــات طلایـــی و نموداری
آیین دادرسی مدنی

شامل

برجسته‌سازی قانون، شرح مختصر قانون

قوانین نموداری، نکات طلایی

و تفکیک مباحث مهم

قابل استفاده داوطلبان کلیه آزمون‌های حقوقی

وکالت، قضاوت، مشاوران

کارشناسی ارشد

صابر خلیل‌نژاد کیاسری- داود آنامرادنژاد

انتشارات اندیشه ارشد

فهرست موضوعی

قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب(در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ ..... ۹
باب اول: در صلاحیت دادگاه‌ها ۱۶
فصل اول – در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها ۱۶
فصل دوم – اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن ۲۵
باب دوم: وکالت در دعاوی ۳۰
باب سوم: دادرسی نخستین ۴۴
فصل اول – دادخواست ۴۴
مبحث اول – تقدیم دادخواست ۴۴
مبحث دوم – شرایط دادخواست ۴۶
مبحث سوم – موارد توقیف دادخواست ۴۸
مبحث چهارم – پیوستهای دادخواست ۵۱
فصل دوم – بهای خواسته ۵۴
فصل سوم – جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی ۵۷
مبحث اول – جریان دادخواست ۵۷
مبحث دوم – ابلاغ ۵۹
مبحث سوم – ایرادات و موانع رسیدگی ۷۰
فصل چهارم – جلسه دادرسی ۷۷
فصل پنجم – توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست ۸۵
فصل ششم – امور اتفاقی ۸۹
مبحث اول – تامین خواسته ۸۹
مبحث دوم – ورود شخص ثالث ۱۰۴
مبحث سوم – جلب شخص ثالث ۱۰۷

مبحث چهارم – دعوای متقابل..... ۱۱۰
مبحث پنجم – اخذ تامین از اتباع دولتهای خارجی ۱۱۲
فصل هفتم – تامین دلیل و اظهار نامه ۱۱۶
مبحث اول – تامین دلیل..... ۱۱۶
مبحث دوم – اظهار نامه..... ۱۱۹
فصل هشتم – دعاوی تصرف عدوانی ، ممانعت از حق و مزاحمت ۱۲۰
فصل نهم – سازش و درخواست آن ۱۳۱
مبحث اول – سازش ۱۳۱
مبحث دوم – در خواست سازش..... ۱۳۵
فصل دهم – رسیدگی به دلایل..... ۱۳۸
مبحث اول – کلیات..... ۱۳۸
مبحث دوم – اقرار ۱۴۲
مبحث سوم – اسناد ۱۴۴
مبحث چهارم – گواهی..... ۱۵۹
مبحث پنجم – معاینه محل و تحقیق محلی..... ۱۶۷
مبحث ششم: رجوع به کارشناس..... ۱۷۱
مبحث هفتم: سوگند ۱۷۷
مبحث هشتم: نیابت قضایی..... ۱۸۵
فصل یازدهم – رأی ۱۸۸
مبحث اول: صدور رأی و انشای رأی ۱۸۸
مبحث دوم: ابلاغ رأی..... ۱۹۰
مبحث سوم: حکم حضوری و غیابی..... ۱۹۱
مبحث چهارم: واخواهی..... ۱۹۲
مبحث پنجم: تصحیح رأی ۱۹۶
مبحث ششم: دادرسی فوری..... ۱۹۷

..... ۲۰۴
باب چهارم: تجدیدنظر ۲۰۴
فصل اول: احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر ۲۰۴
فصل دوم: آرای قابل تجدیدنظر ۲۰۶
فصل سوم – مهلت تجدیدنظر ۲۰۹
فصل چهارم – دادخواست و مقدمات رسیدگی ۲۱۱
فصل پنجم – جهات تجدیدنظر ۲۱۶
باب پنجم: فرجام‌خواهی ۲۲۴
فصل اول – فرجام‌خواهی در امور مدنی ۲۲۴
مبحث اول: فرجام‌خواهی و آرای قابل فرجام ۲۲۴
مبحث دوم: موارد نقض ۲۲۷
مبحث سوم: ترتیب فرجام‌خواهی ۲۲۹
مبحث چهارم: ترتیب رسیدگی ۲۳۴
مبحث پنجم: مهلت فرجام‌خواهی ۲۳۶
مبحث ششم: اقدامات پس از نقض ۲۳۷
مبحث هفتم: فرجا تبعی ۲۴۱
فصل دوم – اعتراض شخص ثالث ۲۴۳
فصل سوم - اعاده دادرسی ۲۴۶
مبحث اول: جهات اعاده دادرسی ۲۴۶
مبحث دوم: مهلت درخواست اعاده دادرسی ۲۴۷
مبحث سوم: ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی ۲۴۸
باب ششم: مواعـد ۳۵۴
فصل اول – تعیین و حساب مواعد ۳۵۴
فصل دوم – دادن مهلت و تجدید موعد ۲۵۶
باب هفتم: داوری ۲۵۸
باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار ۲۷۸

فصل اول – هزینه دادرسی..... ۳۷۸
فصل دوم – اعسار از هزینه دادرسی ۳۷۹
باب نهم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد..... ۳۸۶
فصل اول – کلیات ۲۸۶
فصل دوم – خسارت ۲۸۸
فصل سوم – مستثنیات دین و سایر مقررات..... ۲۹۰
سایر مقررات..... ۲۹۳

مصوب
۱۳۷۹/۱/۲۱

قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب(در امور مدنی)

ماده ۱ - آیین دادرسی مدنی ← مجموعه **اصول و مقرراتی** است که

در مقام رسیدگی به
- **۱- اموحسبی**
- **۲- کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی**

در دادگاه‌های
- **۱- عمومی**
- **۲- انقلاب**
- **۳- تجدیدنظر** ← به کار می‌رود
- **۴- دیوان عالی کشور**
- **۵- سایر مراجعی** که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند

نکته طلایی: رسیدگی به امور حسبی با توجه به مقررات خاص خود می باشد (قانون امورحسبی) مگر در موارد سکوت که به قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان قانون عام رجوع می شود. همچنین در صورتی که بین قانون آیین دادرسی مدنی با قانون امو حسبی تعارض وجود داشته باشد، قانون آیین دادرسی به عنوان آخرین اراده قانونگذار محل اجرا خواهد بود.

ماده ۲ – هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند

مگر اینکه
- ۱-شخص یا اشخاص ذینفع
- ۲-وکیل
- ۳-قائم مقام ← رسیدگی به دعوا را **برابر قانون** درخواست نموده باشند
- ۴- نماینده قانونی
- ۵- سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند

نکات طلایی:

۱- برای اقامه دعوا سه شرط لازم است: ۱. ذی نفع بودن مدعی ۲. محرز بودن سمت از حیث اصالت یا نمایندگی ۳. داشتن اهلیت طرح دعوا.

۲- در مواردی که رسیدگی به ادعا را خود خواهان درخواست نموده باشد و شخص حقیقی باشد (شخص حقیقی اصیل) مفهوم سمت در ذی نفع مستغرق می باشد به نحوی که با احراز ذی نفعی، نیازی به احراز سمت نیست

ماده ۳ – قضات دادگاه‌ها **موظفند** ← **موافق قوانین** به دعاوی رسیدگی کرده:

- حکم مقتضی صادر و یا
- فصل خصومت نمایند.

در صورتی که ← **قوانین موضوعه:**
- **کامل یا**
- **صریح نبوده یا**
- **متعارض باشند یا**
- اصلاً **قانونی** در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد

با استناد به:
- **منابع معتبر اسلام**
- **فتاوی معتبر** ← حکم قضیه را صادر نمایند
- **اصول حقوقی** که مغایر با موازین شرعی نباشد

و نمی‌توانند به بهانه { **-سکوت** / **-نقص** / **-اجمال** / **-تعارض قوانین** } **از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند**

والا ← «**مستنکف از احقاق حق**» شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد .

تبصره - چنانچه قاضی: { **- مجتهد باشد** / **«و»** ← پرونده به **«شعبه دیگری»** برای رسیدگی ارجاع خواهد شد / **- و قانون را خلاف شرع بداند** }

نکات طلایی:

۱- مجازات قاضی مستنکف از احقاق حق، برای بار اول، شش ماه تا یک سال انفصال و در صورت تکرار، انفصال دائم از شغل قضائی است (ماده ۵۹۷ ق.م.ا. مصوب ۷۵)

۲- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را بر خلاف شرع بداند، با صدور قرار امتناع از رسیدگی، پرونده را به شعب دیگر ارجاع می دهد.

ماده ٤ – دادگاه‌ها ← **مکلفند** در مورد **هر دعوا**: { به طور **خاص** تعیین تکلیف نمایند / **نباید** به صورت **عام** و **کلی** حکم صادر کنند. }

ماده ٥ – آرای دادگاهها قطعی است مگر در موارد مقرر در باب چهارم این قانون یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض یا تجدید نظر باشند .

ماده ٦ – عقود و **قرار دادهایی** که: { - **مخل نظم عمومی** / - **برخلاف اخلاق حسنه** / - **مغایر** با **موازین شرع** } باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.

نکته طلایی: رایی که مستند به قرارداد برخلاف اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا مخالف قانون صادر شود، قابلیت فسخ و نقض در دادگاه تجدید نظر استان و دیوان عالی کشور را دارد.

ماده ۷ – به **ماهیت هیچ دعوایی نمی توان در مرحله بالاتر رسیدگی نمود** ← **تا زمانی** که **در**

مرحله نخستین { در آن دعوا **حکمی** صادر نشده باشد

مگر به موجب قانون .

نکته طلایی: استثناء بر ماده مذکور، طرح دعاوی طاری می باشد مانند طرح دعوای جلب ثالث یا ورود ثالث در مرحله تجدید نظر .

ماده ۸– هیچ { – مقام **رسمی**
– **سازمان** ⇦ نمی تواند { **حکم دادگاه** } را { – تغییر دهد
– **اداره دولتی** – از اجرای آن جلوگیری کند

مگر { – **دادگاهی که حکم صادر نموده** یا
– **مرجع بالاتر** } آن هم در مواردی که **قانون** معین نموده باشد.

نکته طلایی: منظور از مقام رسمی، اعم از مقام های دادگستری و سایر مقام های مملکتی بوده است. به بیان دیگر، کسی که با احراز شرایط قانونی و با صدور حکم تصدی مقامی را عهده دار شده و وظایف و تکالیفی بر عهده وی گذاشته می شود، مقام رسمی است.

ماده ۹ – رسیدگی به دعاوی که **قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده** به ترتیب مقرر در این قانون ادامه می یابد.

آرای صادره از حیث:
- **قابلیت اعتراض**
- **تجدید نظر**
- **فرجام** ⇦ تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می باشد

مگر این که آن **قوانین** ، **خلاف شرع** شناخته شود.

نسبت به کلیه **قرارهای عدم صلاحیتی** که **قبل** از تاریخ اجرای این قانون از دادگاهها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان رسیدگی تجدید نظر یا فرجامی است به ترتیب مقرر در این قانون عمل می شود .

نکات طلایی:

۱- مقررات مربوط به سازمان قضایی، از قوانین آمره محسوب می شود و اثر فوری دارد (عطف به ماسبق می شود) و شامل دعاوی مطروحه نیز می گردد.

۲- مقررات مربوط به صلاحیت ذاتی از قوانین آمره شمرده می شود و دارای اثر فوری است اما مقررات مربوط به طلاحیت نسبی دادگاه ها، از قوانین تکمیلی بوده و اصولاً عطف به ما سبق نمی شود.

۳- مقررات مربوط به آیین دادرسی به معنای خاص (مهلت تجدید نظر و..) از قوانین آمره محسوب می‌شود و اثر فوری دارد مگر در مواردی که عطف به ماسبق شدن به حقوق مکتسبه افراد خللی وارد سازد.

باب اول:

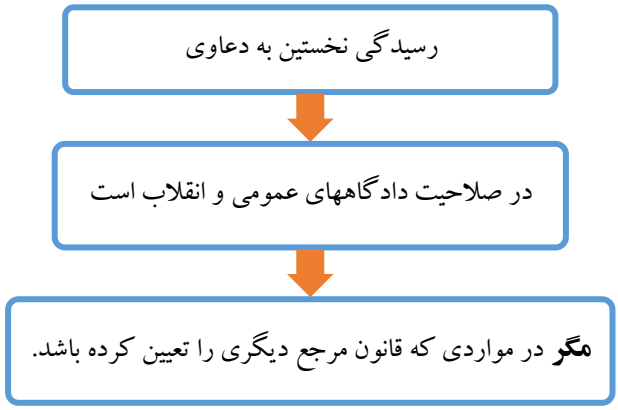
در صلاحیت دادگاه‌ها

باب اول

در صلاحیت دادگاه‌ها

فصل اول – در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها

ماده ۱۰:



نکات طلایی:

۱- دعوای افراز ملکی که جریان ثبتی آن خاتمه یافته است در **صلاحیت اداره ثبت محل وقوع ملک است** اما اگر جریان ثبتی به پایان نرسیده باشد، **دعوا در صلاحیت دادگاه عمومی محل وقوع ملک است.**

۲- **دیوان عدالت اداری** تنها مرجع اداری و عالی ترین آن‌ها نیز می باشد.

۳- دعوای ابطال دستور اجرای سندی که از اجرای ثبت صادر شده است در صلاحیت دادگاه عمومی محل مرجعی است که دستور اجرا را صادر نموده است

۴- رسیدگی به **دعاوی حقوقی علیه روحانیون** در **دادگاه عمومی**، طبق قانون آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید.

ماده ۱۱ :

*دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد

* اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد:

• در صورتی که در ایران **محل سکونت موقت** داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد

* هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته **ولی مال غیر منقول داشته باشد :**

•دعوا در دادگاهی اقامه می شود که **مال غیر منقول در حوزه آن واقع است**

•هرگاه مال غیر منقول هم نداشته باشد ، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود ، اقامه دعوا خواهد کرد .

تبصره – حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است . تقسیم‌بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی دهد.

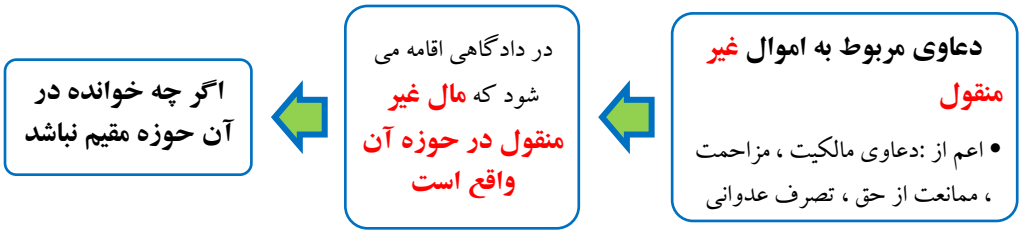
نکات طلایی:

۱- از آنجایی که مناط صلاحیت «تاریخ تقدیم دادخواست» می باشد، تغییر اقامتگاه توسط خوانده در جریان رسیدگی، تاثیری در صلاحیت دادگاه ندارد.

۲- اقامتگاه زن شوهر دار، همان اقامتگاه شوهر است.

۳- اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم است.

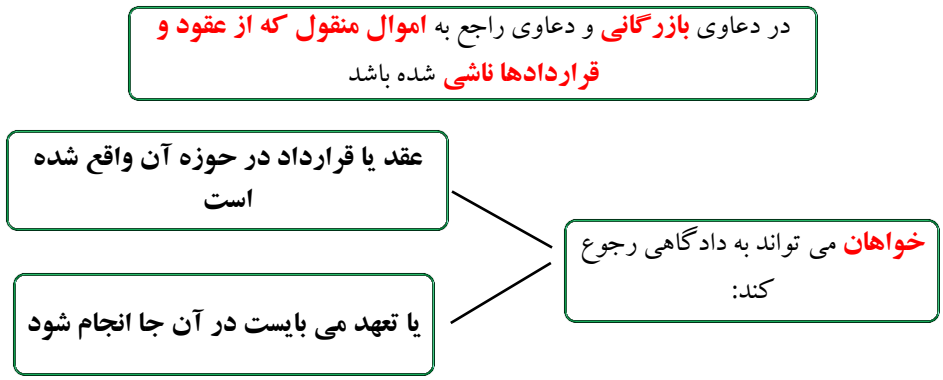
ماده ۱۲ :



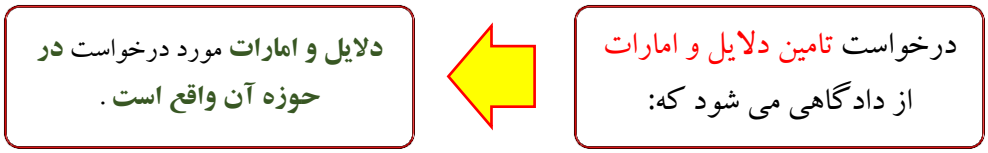
نکات طلایی: **۱- دعوای مطالبه خسارت وارده به ملک و اجرت المثل ، در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیر منقول است.**

۲- در دعاوی مربوط به اموال غیر منقول و حقوق راجع بدان، رعایت صلاحیت محلی الزامی می‌باشد و طرفین نمی‌توانند بر خلاف آن توافق و تراضی نمایند.

ماده ۱۳:



ماده ۱٤ :



نکته طلایی:

۱- در مورد تامین دلیل تفاوتی نمی‌کند که دلایل و امارات مورد تامین، مستلزم بررسی اموال غیرمنقول باشد یا منقول .

۲- امروزه درخواست تامین دلیل در صلاحیت شورای حل اختلاف قرار دارد.

ماده ۱۵ :

در صورتی که موضوع دعوا مربوط به **مال منقول و غیر منقول** باشد:

در دادگاهی اقامه دعوا می شود که **مال غیر منقول در حوزه آن واقع است**

به شرط آن که دعوا در هر دو قسمت ، ناشی از **یک منشاء** باشد

ماده ۱۶ :

هرگاه یک ادعا راجع‌به

خواندگان متعدد باشد که در حوزه های قضائی مختلف اقامت دارند

اموال غیر منقول متعددی باشد که در حوزه های قضائی مختلف واقع شده اند

خواهان می تواند به هریک از دادگاههای حوزه های یادشده مراجعه نماید .

ماده ۱۷ و ۱۸ :

* هر دعوایی که **در اثنای رسیدگی به دعوای دیگر** از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود ، **دعوای طاری** نامیده می شود.

* این دعوا اگر **با دعوای اصلی مرتبط یا دارای یک منشاء باشد** ، در دادگاهی اقامه می شود که دعوای اصلی در آنجا اقامه شده است

* عنوان احتساب، تهاتر یا هر اظهاری که **دفاع** محسوب شود، **دعوای طاری نبوده** ، مشمول ماده ۱۷ نخواهد بود .

نکات طلایی:

۱- شرایط رسیدگی به دعوای طاری در دادگاه رسیدگی کننده به دعوای اصلی: **۱. این دعوا با دعوای اصلی مرتبط بوده یا وحدت منشأ داشته باشد ۲. دادگاه صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به دعوای اصلی داشته باشد.**

۲- دعوای طاری در هر حال باید در دادگاهی که به دعوای اصلی رسیدگی می‌کند طرح شود حتی اگر صلاحیت ذاتی و محلی نداشته باشد. در **فرض عدم صلاحیت ذاتی**، دادگاه با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را حسب مورد به دادگاه صالح یا مرجع تعیین صلاحیت ارسال می‌نماید و چنانچه رسیدگی به دعوای اصلی منوط به روشن شدن نتیجه دعوای طاری باشد، رسیدگی را تا حضول این امر متوقف می نماید.

۳- چنانچه دعوای طاری از **صلاحیت ذاتی شورای حل اختلاف** خارج باشد، رسیدگی به هر دو دعوا، در مرجع قضایی صالح به عمل می‌آید.

ماده ۱۹ :

- هرگاه رسیدگی به دعوا **منوط به اثبات ادعایی** باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است

رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیتدار **متوقف می‌شود**

- در این مورد، **خواهان مکلف** است ظرف مدت **یک ماه** در دادگاه صالح اقامه دعوا کند و رسید آن را به دفتر دادگاه رسیدگی کننده تسلیم نماید

در غیر این صورت **قرار رد دعوا** صادر می شود و خواهان می تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح مجددا اقامه دعوا نماید

نکته طلایی: در **صورتی که خواهان ظرف مهلت یک ماهه، گواهی اقامه دعوا در دادگاه صالح را ارائه ننماید، باید نسبت به دعوای وی « قرار رد دعوا» صادر شود.**

ماده ۲۰ :

دعاوی راجع به ترکه متوفی اگر چه خواسته ، دین و یا مربوط به وصایای متوفی باشد

تا زمانی که ترکه تقسیم نشده در دادگاه محلی اقامه می شود که **آخرین اقامتگاه متوفی در ایران** آن محل بوده است.

اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد ، رسیدگی به دعاوی یادشده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در ایران ، در حوزه آن بوده است .

نکات طلایی:

۱-دعوای مربوط به ترکه در این ماده اعم است از دعوا وراث علیه یکدیگر یا دعوای اشخاص مدعی صاحب حق در همه یا بخشی از ترکه.

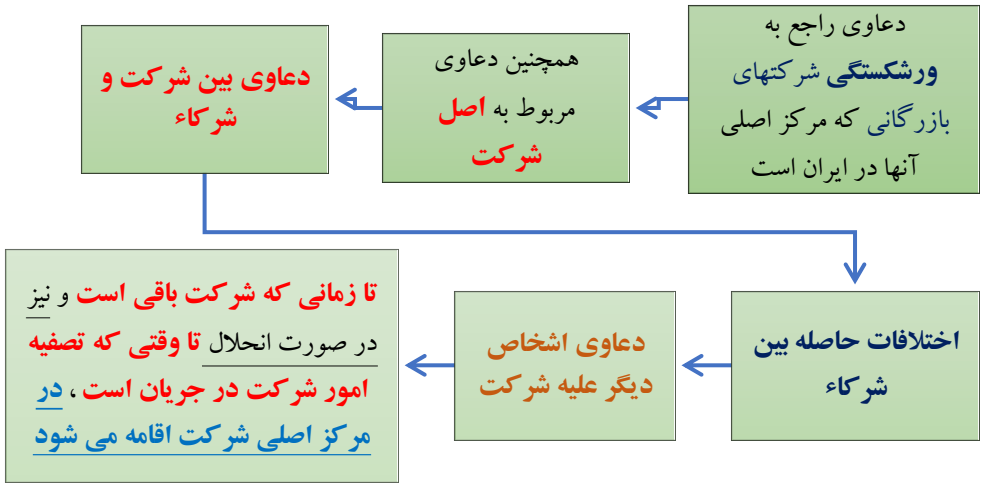
۲- دعوای وارثان علیه بستانکاران متوفی یا کسانی‌که اموالی را از متوفی در اختیار دارند، تابع اصل است (دادگاه محل اقامت خوانده) و مشمول حکم ماده ۲۰ نمی‌گردد.

ماده ۲۱ :

دعاوی راجع به توقف یا ورشکستگی باید در دادگاهی اقامه شود که **شخص متوقف یا ورشکسته**، در **حوزه آن اقامت داشته است**

چنانچه شخص متوقف یا ورشکسته **در ایران اقامت نداشته باشد** دعوا در دادگاهی اقامه می شود که متوقف یا ورشکسته **در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد**

ماده ۲۲ :



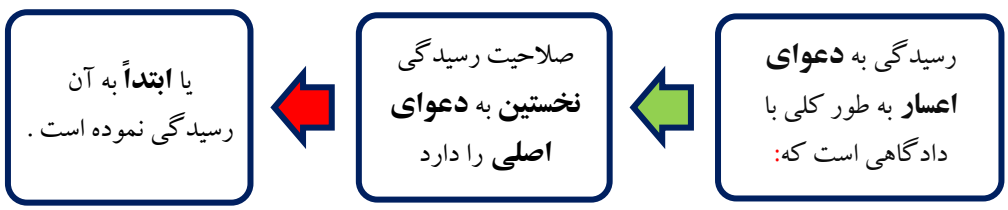
نکته طلایی: اختلاف بین شرکت و شرکا و یا بین شرکا در امور راجع به اموال غیر منقول، باید در دادگاه محل وقوع مال غیر منقول اقامه گردد(رای وحدت رویه۱۳۷۸/۱۶۶۴۳)

ماده ۲۳ :



نکته طلایی: امکان اقامه دعوی در محل استقرار شعبه یا نمایندگی شرکت به این معنا نیست که شعبه یا نمایندگی شرکت طرف دعوا قرار بگیرد، بلکه خود شرکت باید طرف دعوا قرار بگیرد.

ماده ۲٤ :



ماده ۲۵ :

هرگاه سند ثبت احوال **در ایران تنظیم شده و ذی نفع مقیم خارج از کشور باشد:**

- رسیدگی در صلاحیت دادگاه **محل صدور سند** است

هرگاه **محل تنظیم سند و اقامت خواهان** هر دو **خارج از کشور باشد:**

- رسیدگی در صلاحیت **دادگاه عمومی شهرستان تهران** خواهد بود.

نکات طلایی: **۱- رسیدگی به موضوع تغییر محل تولد خواهان و یا ابطال شناسنامه، در صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان می باشد.**

۲- رسیدگی به تغییر تاریخ تولد کمتر از ۵ سال در صلاحیت دادگاه عمومی و در صورتی که اختلاف سن واقعی با سند مندرج در شناسنامه بیش از ۵ سال باشد، در صلاحیت کمسیون حل اختلاف اداره ثبت احوال خواهد بود.

فصل دوم – اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن

ماده ۲۶ :

تشخیص **صلاحیت** یا **عدم صلاحیت** هر دادگاه نسبت به دعوایی که به آن رجوع شده است:

با همان **دادگاه** است

مناط صلاحیت دادگاه: **تاریخ تقدیم دادخواست** است

مگر در موردی که خلاف آن مقرر شده باشد

نکته طلایی: تغییر اقامتگاه خوانده یا تغییر حوزه قضائی در جریان رسیدگی، تاثیری بر صلاحیت دادگاه محلی که خوانده در زمان اقامه دعوی در آنجا مقیم بوده است، نخواهد داشت.

ماده ۲۷ :

در صورتی که **دادگاه رسیدگی** کننده **خود را صالح به رسیدگی نداند**

- با صدور **قرار عدم صلاحیت** ، پرونده را به دادگاه **صلاحیتدار** ارسال می نماید
- **دادگاه مرجوع الیه** مکلف است **خارج از نوبت** نسبت به صلاحیت اظهار نظر نماید

چنانچه **دادگاه مرجوع الیه** **ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد:**

- پرونده را جهت حل اختلاف به **دادگاه تجدید نظر استان** ارسال می کند
- **رای دادگاه تجدید نظر** در تشخیص صلاحیت لازم **الاتباع خواهد بود**

در صورتی که اختلاف صلاحیت بین **دادگاههای دو حوزه قضایی از دو استان باشد**

- مرجع حل اختلاف، **دیوان عالی کشور** می باشد .